



اوضاع سیاسی و ادبی در

دربار سلاطین اوده^(۱) - هند

نوشته: دکتر غلام محمد «از پاکستان»

شامگاه همان روزی که نادرشاه در دهلی قتل عام کرد

۱- محمد امین، برهان الملک

نظام الملک نزد برهان الملک آمد و گفت «نادرشاه میگوید اگر پنجاه کرور روپیه بپردازید او (نادرشاه) برمیگردد به سرزمین خودش اگر نه شما را می کشم، و ما این قدر پول نداریم که به او پرداخت کنیم امروز از من می خواهد فردا نیز ممکن است از تو بخواهد ازین رسوائی و بی آبرویی آن بهتر که هر دو پیاله زهر بنوشیم و خودمان را رها کنیم، برهان الملک آدمی ساده لوح بود حرف نظام الملک را باور کرد و زهر را نوشید و جان به ایزد متان سپرد. نظام الملک به تاجه برگشت و آسوده در خانه خوابید. بعد از مرگ برهان الملک «محمدشاه» (پادشاه دهلی) صفدر جنگ خواهرزاده برهان الملک را صوبه دار آن دیار کرد.

۲- منصور علیخان، صفدر جنگ - (۱۷۲۹م - ۱۷۵۴م - ۱۱۵۱ هـ. ق - ۱۱۶۷ هـ. ق)

در زمان صوبه داری صفدر جنگ افغانان «روهیله» بر سرزمین صوبه اوده حمله کردند و صفدر جنگ او را شکست داد. مقبره صفدر جنگ یکی از مشهورترین ساختمان های شهر دهلی است. و روضه تاج آگره را از اینجا طراحی کرده اند. پدر صفدر جنگ، جعفرخان با خواهر سعادت خان ازدواج کرده بود. از خاندان سادات نبود بلکه از قوم قراقویونلو، مشهور قوم ترکمانان آرمینیه، بود. مادر صفدر جنگ نیز از اولاد سید بوده است.

۳- ضجاع الدوله - (۱۷۵۴م - ۱۷۷۵م / ۱۱۶۷ هـ. ق - ۱۱۸۸ هـ. ق) پسر صفدر جنگ فرد بزرگ و نامی و حادثه آفرین ترین

وارث بزرگ شاهان اوده، بازرگان خراسان، محمد امین بود که از اولاد «حضرت امام موسی کاظم علیه السلام» بود پدرش محمدنصیر، در عهد حکومت بهادرشاه (ابن اورنگ زیب عالمگیر) پادشاه دهلی در قرن ۱۷۱۳م - ۱۷۱۹م مطابق با ۱۱۲۵ - ۱۱۳۱ هـ. ق، به هندوستان آمده بود. بعد از مرگ پدر، محمدامین نیز به هندوستان آمد و در حکمرانی سربلندخان صوبه دار (استاندار) صوبه (ایالت) گجرات ملازم شد. بعد از آن از صوبه دار گجرات ختمگین شده به دهلی رفت و در عهد حکومت «فرخ سیر» (۱۷۱۳ - ۱۷۱۹م - ۱۱۲۵ هـ. ق - ۱۱۳۱ هـ. ق) و در عهد حکومت محمدشاه (۱۷۱۹م - ۱۷۴۸م / ۱۱۳۱ هـ. ق - ۱۱۶۱ هـ. ق) در نرسه پادشاهان دهلی منطقه هندون و بیانه، فوجدار، استخدام شد و بر علیه سادات «باره»، به محمدشاه کمک کرد و پادشاه به او لقب «برهان الملک» داد. بعد از آن او را به سمت صوبه دار، اوده منصوب کرد. هنگامیکه نادرشاه در سال (۱۷۳۹م - ۱۱۵۱ هـ. ق) کابل، پشاور و پنجاب را فتح کرد و قصد حمله به دهلی کرده و تا سرزمین پانی پت رسید. محمدامین (برهان الملک سعادت خان) از اوده آمده و به محمدشاه کمک کرد و در سرزمین پانی پت، به همراه پادشاه بر علیه نادرشاه جنگیدند اتفاقاً «برهان الملک» و «نظام الملک آصف جاه» هر دو به دست نادر اسیر شدند. نادرشاه بقصد صلح محمدشاه را به خیمه خود خواست و جنگ را خاتمه داد و همراه آنان به دهلی رفت.

فرد در تاریخ هندوستان بود او بر علیه انگلیس ها جنگید و شکست خود و صلح را پذیرا شد و بر علیه افغانان روهیله جنگید و پیروز گردید. در عهد او قوم بهتان، روهیله حکومت رامپور، را بنا گذاشتند در همین زمان احمدشاه ابدالی به هندوستان حمله کرد و جنگ مشهور پانی پت، سوم ۱۷۶۱ م - ۱۱۷۵ هـ. ق واقع شد.

۴- آصف الدوله - (۱۷۷۵ م - ۱۷۹۷ م - ۱۱۸۸ هـ. ق - ۱۲۱۲ هـ. ق)

آصف الدوله بن شجاع الدوله، فرمانروای بزرگ و با حشمت بوده و در عهد او ملک نسبتاً در امن و امان بوده تا زمان حکومت شجاع الدوله، فیض آباد، مرکز حکومت نوابان، اوده بود. آصف الدوله لکهنو را مرکز حکومت خود قرار داد. مقبره آصف الدوله یکی از بناهای بی نظیر هندوستان شمرده می شود. تباهی و تاراج حکومت سبب شد که اکثر شعرا و اهل کمال دهلی در عهد آصف الدوله از دهلی، رفتند مانند میرزا سودا، میرتقی میر، میرحسن، میرسوز، و با آمدن این شعرا به لکهنو، شعر و سخن رونق بسیار یافت، چون آصف الدوله خود نیز شاعر بود. و شعرهای خوبی می سرود.

۵- وزیر علیخان (۱۷۹۷ م - ۱۲۱۲ هـ. ق)

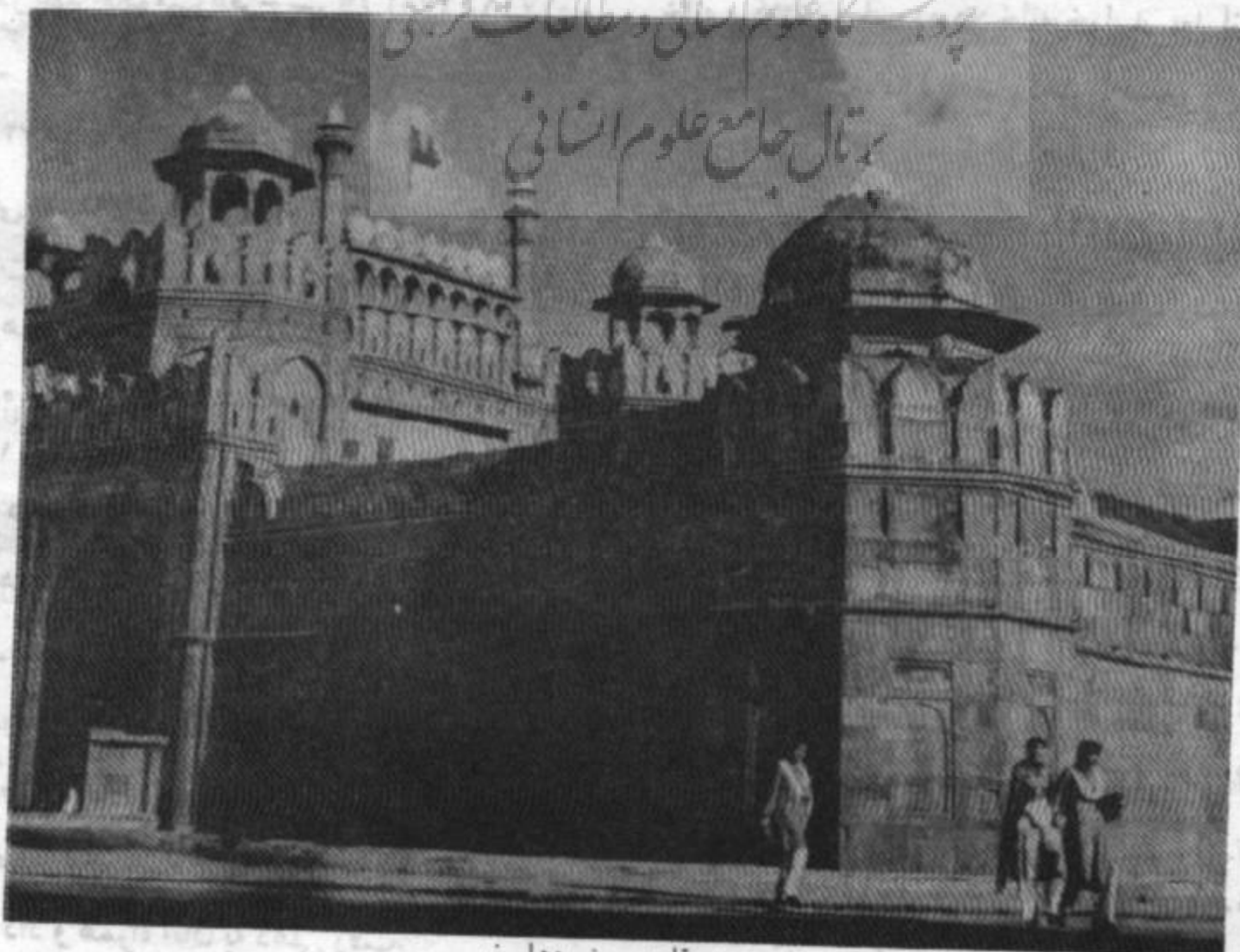
در این سال فقط چهارماه حکومت کرد، فرزند بزرگ

آصف الدوله بود ولیکن به سبب عیاشی، مادر بزرگ و وزیر علیخان که مادر آصف الدوله معروف به (بهویگم) چند تن از امرا و اعیان اشراف مخالف سلطنت وزیر علیخان شدند و با کمک انگلیس ها او را معزول نمودند. مردم طرفدار وزیر علیخان بودند ولیکن کاری نتوانستند بکنند و وزیر علیخان در قلعه فورت ولیم - کلکته، زندانی شد و در همین جا در سال ۱۸۱۶ م - ۱۲۳۲ هـ. ق وفات یافت.

۶- سعادت خان - (۱۷۹۸ م - ۱۸۱۴ م - ۱۲۱۲ هـ. ق - ۱۲۲۹ هـ. ق)

(ق)

برادر کوچک آصف الدوله بود. چون بین برادران صلح و آشتی محال بود به همین سبب سعادت علیخان از لکهنو خارج شد در شهرهای بریلی، آگره، دیک، (پهرت پور) و غیره اقامت کرد. ولی با انگلیس ها بطور مرتب در مکاتبه بود تا بعد از آصف الدوله حکومت به او واگذار شود. وقتیکه انگلیس ها وزیر علیخان را از سلطنت معزول کردند انگلیس ها به این شرط که نصف مملکت به سعادت علیخان داده شود و نصف دیگر در حکومت انگلیس ها باشد با حکومت او موافقت کرده و قرار داد را امضاء کرده به این ترتیب شهرهای کوره، کره فرخ آباد، اله آباد و بریلی و قسمت اعظم مملکت از دست سعادت علیخان خارج شد و یک کروه، ۳۵ لک، ۲۳ هزار و چارصد و هشتاد و پنج روپیه



قلعه سرخ - دهلی نو

خسارت دید و با این کار ناسنجیده سعادت علیخان تمام ممالک، تحت الحمایه انگلیس ها را به خاطر اینکه خود بر آنها حکمرانی کند بعنوان رشوه به آنها وعده داد. برای این کار مستر ادرنی، را به لندن فرستاده. و تقاضای حکمرانی از پارلمان، و پادشاه درخواست نمود. در همین ایام لرد، هیستنگیز به سمت گورنر جنرال، (به قائم مقامی حکومت برتانیا در هندوستان) منصوب شد. برای این کار یک کرویر روبیه پول برای او فرستاده بود. لرد عازم هندوستان شد یک نامه به سعادت علیخان نوشت در نامه متذکر شده بود که «وقتی وارد هندوستان شوم کار شما را انجام خواهم داد». نواب (سعادت علیخان) از این خبر بی نهایت خوشحال شد و این خبر را به گوش درباریان رسانید و این سزا فاش کرد. کرنل بیلی، (ریزیدنت) یعنی افسر مقیم در لکهنو، حافظ منافع حکومت بریتانیا در دربار) بود. او از اول دشمن نواب (سعادت علیخان) بوده. او هم این خبر را شنید. اتفاقاً در همین ایام نواب دچار بیماری کبد و استسقا شد. بعد از صحت یافتن از بیماری برای گردش و تفریح از خانه بیرون شد و شب به خانه برگشت. او هوس خوردن یخنی کرده بود. رمضان علیخان برادرزن نواب در غذای یخنی زهر مخلوط کرد و نواب غذا را خورد و سریع زهر بر غده صفرا اثر کرد، و نواب در دم جان سپرد.

نواب سعادت علیخان مرد بسیار زنده دل و ذاتاً مزاج شاهانه داشت. بسیار قدرشناس شعر و ادب و علم و قنون بود و شاعرانی مانند - سید انشاء الله خان، مصحفی، میرزا قتل رائی، گلاب رائی گلشن در دربار او بودند.

۷. غازی الدین حیدر - (دوران وزارت، ۱۸۱۴ - ۱۸۱۹ م - ۱۲۲۹ هـ - ۱۲۳۴ هـ ق)

فرزند بزرگ سعادت علیخان بود. بعد از چند وزارت و نوابی لرد هیستنگیز (قائم مقام پادشاه انگلستان در هندوستان) غازی الدین حیدر پادشاهی خود مختار (منطقه صوبه اوده) را بنا نهاد و سلطنت دهلی مجزا شد و این نواب نیز علم دوست بود در عهد او در لکهنو «تائپ» (ماشین تحریر) و «لیتهو» (چاپخانه، چاپ سنگی) ایجاد شد کتابها و تالیفات به چاپ رسید و شعرایی مانند - رجب علی بیگ

سرور، فقیر محمد خان گویا، شیخ ناسخ، خواجه آتش، خواجه وزیر آسی در عهد او زندگی می کردند.

۸. نصیرالدین حیدر - (۱۸۲۷ م - ۱۸۳۷ م - ۱۲۴۳ هـ - ۱۲۵۳ هـ ق)

در عهد سلطنت او در خانواده شاهی فتنه و فساد بسیار بوجود آمد. قدسیه بیگم، محبوب ترین ملکه این پادشاه بود. ولی به یک باره پادشاه نسبت به او بدگمان شد و باعث شد که ملکه خودکشی کند. پادشاه سخت رنجور شد و دستور داد که تمام اهل خانواده و همه رعایا لباس سیاه ماتم برتن کنند. مادر پادشاه که از عروس خود ناراضی بود ازین عزاداری و ماتم خوداری کرد. پادشاه به همین دلیل از مادر ناراحت شد که مادرش به الماس باغ رفت. در آنجا فرزند بزرگ نصیرالدین حیدر بنام فریدون بخت معروف به مناجان که بعد از مرگ مسادر پیش مادر بزرگ زندگی می کرد، همراه مادر بزرگ به الماس باغ رفت. پادشاه می خواست پسرش نزد او بیاند ولی مادر پادشاه او را نفرستاد پادشاه نیز از پسر خشمگین شد و اعلان کرد که فریدون بخت پادشاه زاده نیست به همین دلیل بین مادر یعنی پادشاه بیگم و پسر نصیرالدین حیدر پادشاه خشم و عناد بسیار طولانی شده بالاخره خواست که مادر را راضی کنند ولی وزیر الممالک آتش فتنه ها را دامن زد و سعی کرد که بین مادر و پسر (پادشاه) صلح و آشتی واقع نشود سرانجام به پادشاه زهر دادند.

نصیرالدین حیدر نیز به اهل کمال خدمت بسیار کرد و چاپخانه های جدید تاسیس نمود و بعضی از کتابهای کمیاب عربی و فارسی را چاپ کرد.

۹. محمد علی شاه - (۱۸۳۷ م - ۱۸۴۲ م - ۱۲۵۳ هـ - ۱۲۵۸ هـ ق)

خبر مرگ ناگهانی نصیرالدین حیدر را جنرال لو (ریزیدنت) افسر مقیم در لکهنو، حافظ منافع حکومت بریتانیا در دربار شاهان اوده) شنید.

نصیرالدوله پسر نواب سعادت خان عمومی نصیرالدین حیدر مشغول پوشیدن لباس شاهی بود که پادشاه بیگم همراه میرزا فریدون بخت فرزند نصیرالدین حیدر وارد شد و سعی

کرد که نوه را بر تخت شاهی بنشانند. ولی در کاخ به دستور (ریزیدنت) افسر مقیم در لکهنو بسته بود. پادشاه بیگم با فیلان در را شکست و فریدون بخت بر تخت شاهی نشست و شروع کرد به گرفتن هدایا و جاری ساختن احکام شاهی، ریزیدنت، به خدمت پادشاه بیگم رسید و او را نصیحت کرد که در این مورد مداخلت نکنید ولی پادشاه بیگم گوش نکرد. ریزیدنت ارتش انگلیس را طلب کرد و دستور حمله را صادر کرد حامیان پادشاه بیگم بعضی ها جنگیدند و بعضی ها فرار کردند. پادشاه بیگم و فریدون بخت اسیر شدند و نصیرالدوله لقب محمدعلی شاه را اختیار کرد و به شاهی رسید. او نیکدل و خیر بود. ولیکن درین عهد بعضی از اشخاص پست فطرت به مقامات عالی رسیدند. «امام باره حسین آباد» دومین عمارت بی نظیر لکهنو یادگار این پادشاه است. پادشاه دوازده لک روپیه برای مخارج امام باره (حسینه) در خزانه انگلیس سپرده گذاشت که از بهره این سپرده خرج و مخارج امام باره (حسینه) بکنند. هنوز هم این کار طبق روال گذشته ادامه دارد.

۱۰- امجد علیشاه - (۱۸۴۲ م - ۱۸۴۷ م - ۱۲۵۸ ه - ۱۲۶۳ ه. ق.)

(ق)

این پادشاه خیلی مذهبی بوده و اختیارات تمام امور مملکت و دادگاهی را به مجتهد العصر سپرده بود. اهتمام مجالس عزاداری و مرثیه خوانی در این عهد بیشتر از دوره های قبلی بوده. از شاعران مرثیه گوی بزرگ اردو زبان این دوره «میرانیس» و «میرزا دبیر» بودند.

۱۱- واجد علیشاه - (۱۸۴۷ م - ۱۸۵۶ م - ۱۲۶۳ ه - ۱۲۷۲ ه. ق.)

(ق.)

این پادشاه به عیش و عشرت بی حدی راغب بود. بعضی از افراد پست فطرت نمک ناشناس و فرصت طلب در امور مملکت مداخله و نظام سلطنت را خراب می کردند بطوریکه؛ پادشاه از جانب حکومت انگلیس بارها تنبیه شد ولی هیچ توجهی نمی کرد. بالاخره یک سال قبل از شورش دهلی در سنه ۱۸۵۷ م پادشاه معزول شد و سلطنت او به حکومت انگلیس ملحق گردید. پادشاهی او به عدم الحاق و باز پس گرفتن سلطنت او تلاش کرد و هیاتی پیش ملکه

ویکتوریا انگلستان فرستاد در میان این هیئت ملکه کشور و میرزا ولیعهد و میرزا سکندر حشمت ملقب به (ژنرال صاحب) و مولوی مسیح الدین خان کاکوروی بودند. و نیز خادمین و مصاحبان آنان. این هیأت به انگلستان رسیدند و با ملکه انگلستان ملاقات کردند. ولیکن همراهان پست طینت در بین افراد هیت اختلاف انداختند. و در آن سوی یعنی در هندوستان در سنه ۱۸۵۷ م شورش دهلی شروع شد و انگلیسی های مقیم انگلستان الحاق اوده را یکی از علل شورش دهلی می دانستند. الغرض این هیت با ناکامی به کشور برگشت در فرانسه ملکه کشور (همسر واجد علیشاه) و میرزا سکندر حشمت ملقب به ژنرال صاحب هر دو درگذشتند. میرزا ولیعهد در کلکته نزد پدر رفت و پادشاه از قلعه فورت ولیم به متیابرج منتقل گشت. در آنجا نسبت به زندان فورت ولیم آسایش و آزادی داشت و در سال ۱۸۸۷ م - ۱۳۰۴ ه. ق. در متیابرج درگذشت.

در عهد واجد علیشاه، لکهنو غیر از عیش و نشاط، در علوم و فنون و صنعت و تجارت نیز ترقی یافت. عمارت قیصر باغ یادگار اوست و مجموعه های نظم و نشر بسیاری تصنیف کرده که تعدادشان بیشتر از دوازده است. اسامی دیگر مشاهیر شعر و ادب این دوره عبارتند از: ۱- میرزا رجب علی سرور ۲- اصغر علیخان نسیم دهلوی ۳- نواب محمدخان رند ۴- مظفر علیخان اسیر ۵- آفتاب الدوله قلق ۶- نظیر حسن اوج ۷- عابد علی کوثر ۸- علی اوسط رشک ۹- منیر شکوه آبادی ۱۰- امیر مینائی ۱۱- امانت ۱۲- برق ۱۳- بحر و... ■

پی نوشت ها

- ۱- مختصر تاریخ وزارت و شاهی اوده (زبان اردو) اقتباس از کتاب «داستان تاریخ اردو» ص ۱۷۰ آگره - ۱۹۴۱ م مولف حامد حسن قادری، ناشر لکشمی نرائن اگروال، «نواب و وزراء و ملوک» (الحاضره لکهنو (زبان عربی) اقتباس از کتاب «معجم الانساب و الاسرات الحاکمه فی التاریخ الاسلامی، للمشرق زامباور اخرجہ الدكتور ذکی محمد حسن بک و حسن احمد محمود، ص / ۴۴۴، مصر ۱۹۵۱ - مختصری از تاریخ سلطنت اوده (ترجمه فارسی)

